

## پارادایم عدالت ترمیمی و تحدید میانجیگری کیفری در فقه و حقوق ایران

یاسمن سعیدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

### چکیده

عدالت ترمیمی نتیجه تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری می باشد، این فرایند با ابزارهایی چون میانجیگری اختلاف را در محیطی دوستانه با مشارکت بزه دیده و متهم با مدیریت شخص ثالث و یا گفتگو در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی، روند حل و فصل را تسهیل می بخشد. این روش علاوه بر اینکه از تراکم کار و اطاله دادرسی که حاکم بر نظام قضایی شده می کاهد، بلکه منجر به پیشگیری و کاهش تخلفات در بلند مدت و پرورش سیستم قضایی مطلوب می گردد. پژوهش حاضر درصدد است که بصورت توصیفی، تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش باشد که تحدید فقهی، حقوقی میانجیگری شامل چه جرایمی می شود؟ یافته های پژوهش نشان می دهد هیچ گونه محدودیتی در شرع برای ارجاع جرایم حق الناس به میانجیگری وجود ندارد و در جرایم حق الله نیز که حاکم دارای اختیار عفو بوده و یا با اقرار بزهکار جرم اثبات شده است و نیز در صورت توبه، قبل از رسیدن جرم نزد امام و قبل از اقامه بینه، ارجاع به میانجیگری جایز است. در حالی که مقنن در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری تحدید، توسل به میانجیگری را فقط در جرایم تعزیری با درجات ۶ و ۷ و ۸ قرار داده، به این معنا که شامل جرایم حدی، دیات و قصاص که حق اولیای دم است، نمی شود. بنابراین قانون گذار می بایست بازنگری هایی جدی در جهت وسعت قلمرو ارجاع دعاوی به میانجیگری را انجام دهد.

واژگان کلیدی: میانجیگری، اصلاح ذات البین، عدالت ترمیمی، عدالت کیفری

<sup>۱</sup>. دانش آموخته دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

اختلاف یکی از پیامدهای زندگی جمعی انسان ها در طول تاریخ بشر می باشد که از وقوع آن نمی توان جلوگیری کرد، در همین راستا برای حل و فصل و یا پیشگیری احتمالی از وقوع آن راه حل هایی پیش بینی شده است که در هر دوره تغییر و تکامل یافته، اما مهم ترین مسئله تسریع روند برون رفت به بهترین شیوه است. پس اساس مناسبی برای حل اختلافات به شیوه دوستانه به دلیل مزیت هایی چون کم هزینه بودن رسیدگی، عدم تشریفات، انعطاف پذیری، سرعت در عملکرد دادرسی و از همه مهمتر سطح بالای اقتناع فردی و توسعه تفاهم اجتماعی وجود دارد. از سویی باور به مسائلی از قبیل میزان ثواب و عقاب اخروی، حشر، توبه و انابه در نظام اسلامی ایجاب می کند که الگوی جدیدی برای تفکر در امور کیفری در قلمرو عفو مجرمین و میانجیگری به نفع مجرم صورت گیرد که از آن به عدالت ترمیمی یاد می شود. زیرا یکی از اهداف توسعه عدالت ترمیمی برای مجرمان به عهده گرفتن مسئولیت و درک صحیح از صدمه ای که به قربانی وارد کرده اند و همچنین رضایت مندی قربانیان از روند حل اختلاف می باشد.

قانون گذار با الهام از آموزه های عدالت ترمیمی و تأکید نظام اسلامی بر حل اختلافات از طریق صلح و سازش و نیز تأثیرپذیری از نظام های قضایی پیشرفته دنیا، برای اولین بار امکان ارجاع امر به میانجیگری توسط مقام قضایی (اعم از بازپرس و دادرس دادگاه) در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی نمود، بدون شک این اقدام به منظور خارج ساختن پرونده های کم اهمیت از فرآیند دادرسی قضایی پیش بینی شده است. در واقع میانجیگری روشی پرکاربرد در فصل اختلاف می باشد که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به عنوان تسریع کننده روند در رسیدن طرفین به توافق با آنان مشارکت می کند. البته در این روش تصمیم میانجی برای طرفین الزام آور نیست بلکه فقط امکان مذاکره را برای طرفین فراهم و با ارائه پیشنهادات و راهکارهایی آن ها را در رسیدن به توافق همراهی می کند. اما ایراداتی که می توان به قانون گذاری ارجاع اختلاف به میانجیگری در ایران گرفت این است که، از ویژگی های تحقیقات مقدماتی غیرترافی بودن آن می باشد، به این معنا که شاکی و متهم در جلسه مقابل یکدیگر قرار نگیرند و قاضی تحقیق بطور جداگانه و اختصاصی از هریک تحقیق و در صورت لزوم آنها را با یکدیگر رو در رو سازد. درحالی که در میانجیگری اصل را، بر تناظر طرفین قرار داده اند البته نه در تمام سیستم ها بلکه به نظر موافق شاکی این کار صورت می گیرد. ایراد دیگر را نیز می توان در محدود بودن دامنه ارجاع به میانجیگری دانست که، جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابلیت تعلیق دارد را می توان به میانجیگری داد، درحالی که با توجه به مبانی میانجیگری تمام حدود و تعزیرات ناظر بر حق الناس و حتی قصاص و دیات را می توان به میانجیگری ارجاع داد، شاید تحدید این

چینی میانجیگری بوسیله مقنن اجرای آزمایشی این روش بوده هرچند توجیه منطقی نیست اما با شناخت مفهوم و جایگاه فقهی و حقوقی میانجیگری می توان پاسخی برای این اشکالات یافت.

## ۱. عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، عدالتی است که تلاش می کند تا بین منافع بزه دیده و جامعه و نیاز به بازپروری اجتماعی بزهکار، توازن و تعادل ایجاد نماید و می کوشد تا ترمیم و بهبود وضعیت بزه دیده را در حد امکان، عملی سازد و در این مسیر تمام اشخاصی را که به نحوی در حادثه مجرمانه نفعی دارند (مانند بزه دیده، بزه کار، وابستگان آن ها، نمایندگان جامعه و مقامات عدالت کیفری) جهت مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی گردهم آورد تا بسترهای جرم زدایی در جامعه فراهم شود (Wright, 2002, p32).

پژوهشگران جرم شناسی غرب در عصر پوزیتیویستی برای کاهش شدت خشونت ها تمایل بسیاری به چرخش محور عدالت کیفری سزا دهنده «جرم محوری» به عدالت کیفری باز پرور و توجه کننده به شخصیت مرتکب «مجرم محوری» نشان دادند (padfield, 2011, p39) اما به تدریج با شکست این الگو در پیشگیری از تکرار جرم، فشار افکار عمومی و همچنین اعتراض های پوپولیستی مبنی بر لزوم تشدید مجازات مجرمان، عوامل کم رنگ شدن مدل بازپروری نمایان شد. از آن پس مدل افراطی همان رویکرد کلاسیک ارعابی با جنبش «بازگشت به کیفر» بر نظام کیفری غرب چتر گستراند (ward, 2010, p11) این جنبش با احیای ایده مکافات گرایی موجب شکل گیری «کیفرهای استحقاقی» یا ایده آنچه «شایسته مجرم» شکل گرفت، وضع کیفرهای شدید و کاهش اختیارات قاضی در اعمال تخفیف و تعلیق و آزادی مشروط به مجرم، از ویژگی های مکتب «عدالت کیفری استحقاقی» در سیر تحولات مکاتب ناپایدار جرم شناسی غرب است (ساریخانی و اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۵۱). در پی نوسانات همیشگی غرب گفتمان مدیریتی جدیدی با محوریت مدل «عدالت تخمینی» بر جرم شناسی معاصر حاکم شد؛ بدین شرح که مسئولیت کیفری دیگر نه بر اساس رویکرد کلاسیک ارعابی بود و نه بازپروری، بلکه بر مبنای میزان احتمال و ریسک تکرار جرم تخمین زده می شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۲۵). نظریه جرم شناسی تخمینی، بدلیل کنترل بیشتر متهمان هنگام ورود به فرآیند کیفری و خروج از آن، توسل به شگردهای نظارتی مانند نظارت الکترونیکی از رهگذر ورود به حریم خصوصی فیزیکی و مجازی متهمان، اعمال سیاست توان گیری گزینشی، نامعلوم بودن زمان رهایی مجرم از زندان، عقیم سازی مجرمان جنسی، قائل شدن به مسئولیت کیفری و امکان مجازات بیماران روانی و توسعه شبکه کنترلی بزه، به نقض فاحش حقوق بشر منجر شد (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹). در نتیجه ناتوانی سیستم عدالت کیفری از طیف اصلاح و کنترل

بزهکاری منجر به پیدایش ظهور «عدالت ترمیمی» شد. این پارادایم نوین با هدف ترمیم روابط بزه دیده، بزه کار و اعضای جامعه محلی وهم چنین احترام به شأن و کرامت انسانی آنان در پدیده مجرمانه شکل گرفته تا خسارات متضررین از بزه را جبران کند.

## ۲-۱. عدالت ترمیمی در سیاست جنایی اسلام

تدابیری که برای مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه صورت می گیرد «سیاست جنایی» گفته می شود (مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۹) در واقع سیاست جنایی اسلامی یک «سیاست جنایی ارزشی» یا ایدئولوژیک است که متکی به بایدها و نبایدهایی است که فقط محصول تحقیقات میدانی و آمار جنایی نبوده، بلکه مستند به اصول اخلاقی یا فرامین شرعی و یا ارزش های فرهنگی جامعه است (قیاسی، ۱۳۸۵، ص ۱۵) بررسی آیات قرآن بیانگر هوشمندی سیاست جنایی و حیانی اسلام در اجرای کیفرهای دنیوی است؛ اهدافی چون اجرای قسط و عدالت، اهتمام به حقوق مجرم، توجه به اجتماع مسلمانان و مشارکت دادن ایشان در فرآیند کیفری، تقدم کارکرد اصلاحی و بازدارنده بر کارکرد ایلامی، منع کارکرد استخفافی مجازات های اسلامی، حفظ حریم خصوصی و آرمان های دیگری که به شرح زیر می باشد:

### ۲-۱-۱. مقایسه واکنش جزایی با بزه ارتكابی

در آیات بسیاری از جمله آیه ۴۰ سوره غافر و ۱۲۳ سوره نساء تناسب کیفر با بزه تصریح شده است، در صورتی که یکی از ایرادات وارده بر فرآیند عدالت ترمیمی تحمیل ضمانت اجراهای ناهمسان به مرتکبین جرایم یکسان به چشم می خورد، دو بنیان گذار عدالت ترمیمی در اروپا اذعان داشته اند که مجازات با توجه به نظر و عقیده بزه دیده عموماً نمی تواند متناسب با جرم باشد (Von Hish and Ashworth, 1998, p 36) البته ذکر این نکته ضروری است که قرآن در اجرای اصل تناسب کیفر و بزه منعطف بوده و به ایراد انعطاف ناپذیری کیفر رسانی که به عدالت ترمیمی وارد بود، مبتلا نیست. مثلاً رعایت قاعده قصاص در مواردی که اجرای این مجازات با مانع اخلاقی روبرو است بر نمی تابد و پاسخ های انطباقی ویژه ای را مقرر می دارد. تنویدی بودن مجازات محارب در آیه ۳۳ سوره مائده و کیفر سرقت در آیه ۳۸ همین سوره و کیفر زنا در آیه ۳ سوره نور بیانگر حکمت قرآن است (ساریخانی و اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۵۵).

### ۲-۲-۱. حاکمیت رویکرد قضاودایی

سیاست جنایی ایران بر محور سهله و سمحه است، پیامبر اکرم (ص) در حدیثی خطاب به عثمان بن مظعون می فرماید: «بعثت بالحنیفیه السهله و السمحه» ترجمه: «من به آیین استوار و راحت و آسان مبعوث شده ام» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۴۹۴) که دلالت بر آسان گیری و ترمیم گرایی و نه ارباب و سزادهی بودن شریعت اسلام دارد. در صحیح بزنطی آمده است که امام رضا (ع) از جد بزرگوارشان امام باقر (ع) نقل می کند که: «خوارج به سبب جهالتشان بر خود سخت گرفتند، در حالی که دین راحت تر از آن است» (عاملی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۳۳). برخی قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» را از مصادیق سهل بودن دین می دانند. احادیث فراوان دیگری در مورد سهله و سمحه بودن به تعبیر جرم شناسی نوین، ترمیمی بودن در فرامین اسلام وجود دارد که با الفاظ مختلفی همچون تیسر، رفق، مدارا، لین و مانند آن ها صادر شده است، از جمله «هنگامی که سروری یافتی، به رفق و مدارا عمل کن» و نیز «هنگامی که مجازات می کنی، شدت به خرج نده» (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۱۸۲). سیاست جنایی اسلام با محوریت قرآن کریم، در غیر از موارد منصوص حدود و قصاص و دیات در جرایم تعزیری که طیف گسترده ای را تشکیل می دهد، همواره با تساهل همراه بوده است، بدین معنا که علیرغم فتوای فقها بر تعزیر هر گناه کبیره یا تعزیر مطلق معاصی، اصولاً در صدر اسلام با گناهان به شکل گزینشی برخورد می شد و این همان تحولی است که در آیین دادرسی کیفری «موقعیت داشتن تعقیب» نامیده می شود. خارج کردن مجرم از فرآیند تعقیب کیفری و مشارکت تساهلی و ادخال او به حیطه واکنش های تساهلی و چشم پوشی از تعقیب مرتکبین جرایم جنسی با القای شبهه و تشویق آن ها به توبه (سیوطی، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۷۷) از ویژگی های سیاست جنایی اسلام است.

### ۱-۲-۳. مشارکتی شدن عدالت ترمیمی

برخی از دیدگاه های غربی تنها به بزهکار و دولت به عنوان دو رکن اساسی نظام های عدالت کیفری توجه دارند، حال آنکه بی توجهی به بزه دیده به مثابه عنصر اصلی دخیل در حادثه مجرمانه می تواند پیامدهای مخربی بر وی و به دنبال آن بر جامعه داشته باشد. این نکته همان چیزی است که عدالت ترمیمی و دیگر مدل های جامعه محور سیاست جنایی با مشارکت دادن بزه دیده و جامعه سعی بر مرتفع ساختن آن داشته اند (مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۹) حال باید دید سیاست جنایی قرآن چه راهکارهایی را اندیشیده است، خداوند در قرآن می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر والعبد بالعبد و الانثی بالانثی فمن عفی له من اخیه شی فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان ذلک تخفیف من ربکم و

رحمه» (بقره، ۱۷۸) ترجمه «ای کسانی که ایمان آورده اید قصاص در جنایاتی که واقع می شود بر شما واجب است آزاد در برابر آزاد و برده در مقابل بنده و زن در مقابل زن قصاص توانید کرد و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست، بخواهد درگذرد، کاری است نیکو. پس قاتل دیه را در کمال خوشنودی ادا کند. در این حکم تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوند است». شارع مقدس نه تنها مسیر اجرای یک سیاست جنایی و عدالت ترمیمی را فراهم می آورد، بلکه پا را از آن هم فراتر می گذارد و با استفاده از واژه (اخیه) در خصوص قاتل، جامعه ی بزه دیده را بر آن می دارد که نه تنها با احساس لذت و قدرت از مخیر بودن در انتخاب قصاص یا عفو، آلام خود را التیام بخشد بلکه با دید برادری که مفهوم رفیع در تعالیم دینی دارد، مجرم را پذیرفته و زمینه باز اجتماعی کردن او را از همان برخوردهای اولیه وی با سیستم کیفری فراهم آورد.

#### ۱-۲-۴. ماهیت ترمیمی تعزیرات و ابعاد ترمیمی قصاص

در گفتمان سیاست جنایی شرعی، ماهیت تعزیرات بسیار متنوع می باشد که اقسام آن پاسخ های دولت محور و مردم نهاد را تعمیم می بخشد. همچنین گونه های دولتی آن به صورت متغیرهای کیفری سرکوبگرانه، کیفری غیرسرکوبگرانه، غیرکیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی جرایم بسیاری را پاسخ می دهد (شاکری، ۱۳۸۵، ص ۳۰۸) تعزیرات به مثابه پاسخ های کیفری در دخالت محوری دولت اسلامی به بزه، هم کمتر از حد هستند و هم بما یراه الحاکم، ماهیت پاسخ های تعزیری غیر کیفری است و در آنها تأدیب، درمان و اصلاح پذیری غیرسرکوبگرانه مورد نظر شارع است. در فقه جزا، هرآنچه به ترضیه خاطر بزه دیده اعم از اعمال متغیرهای کیفری یا مصالحه و سازش یا انتخاب بدیل های جبرانی یا حتی عفو و انصراف از دعوا باعث توقف و اسقاط دعوی است و این حقیقتاً مؤید ترمیمی و غیرسرکوبی بودن ماهیت کیفرهای اسلامی است (ساریخانی اصفهانی، ۱۳۹۱، ص ۶۰).

#### ۲. میانجیگری

میانجیگری یکی از روش های پرسابقه حل و فصل اختلاف می باشد که با هدف ترویج روش های غیرقضایی و تسهیل اجرای توافقات حاصله در فرآیند میانجیگری صورت می گیرد. عنصر اساسی این روش را حاکمیت اراده طرفین تشکیل می دهد، برای آشنایی به این مهم در این بخش به تبیین مفاهیم میانجیگری می پردازیم.

#### ۲-۱. تعریف میانجیگری و میانجی

میانجیگری در لغت به معنای «وساطت بین دو طرف متخاصم به منظور عفو طرف متجاوز به وسیله قربانی یا زیان دیده یا به منظور رفع و ایجاد صلح و سازش بین آن دو نفر» (عمید، ۱۳۸۴، ص ۶۹) و یا «وساطت نزد حاکم به سود مجرم و گنهگار، به منظور عفو و بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات وی» آمده است (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲) در واقع شفاعت کننده یا همان شفیع با وسیله قراردادن حرمت و اعتبار خود نزد حاکم یا مشفوع الیه، درصدد رهایی یا تخفیف در مجازاتی که در معرض آن قرار گرفته است (مارتی، ۱۳۸۱، ص ۳۱). تعریف اصطلاحی میانجیگری هر چند از معنای لغوی آن فاصله چندانی نگرفته اما در واقع فرآیندی سه طرفه و سه جانبه است که فارغ از تشریفات معمول در فرآیند کیفری، بزه دیده و بزه کار و در صورت لزوم سایر اشخاصی که از جرم متأثر می شوند و یا نفع و ضرری در مقابله با جرم دارند را قادر می سازد که در صورت تمایل طی گفتگوهای متقابل به طور فعال و با مساعدت و حضور یک شخص ثالث بی طرف به حل و فصل اختلاف برخاسته از حادثه مجرمانه بپردازند (حسینوند، ۱۳۹۴، ص ۵۰). شخصی که با هدف سازش میان طرفین اختلاف عهده دار وظیفه میانجیگری می شود را میانجی یا میانجی گر می نامند. میانجی در لغت واسطه و مصلح آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴۶، ص ۲۴۷) در اصطلاح، میانجی گر شخصی منتخب از سوی طرفین دعوا و یا بصورت رسمی از طرف مقام قضایی دادگاه می باشد که به عنوان یک واسطه فقط در جهت دهی به حل و فصل اختلافات و تسهیل مذاکرات طرفین فعالیت می نماید، او مانند یک قاضی قدرت تحمیل یک راه حل به اصحاب را ندارد بلکه سعی می کند که حقوق واقعی طرفین را به آنان بشناساند و پیام ها را بین آنان منتقل نماید. نقش میانجی گر بسته به نوع اختلاف و توانایی شخصی و تجربه او در فرآیند میانجیگری متفاوت می باشد (Brown, 1998, p3).

## ۲-۲. وظایف و اختیارات میانجی گر

از جمله وظایف میانجی پس از ارجاع موضوع از طرف مقام قضایی این است که در اسرع وقت و در محدوده ی زمانی سه ماه مطابق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، که مقام قضایی برای او تعیین کرده جلسه یا جلسات را تشکیل دهد که در آن زمینه اظهار نظر، مذاکرات و استماع گفتگوهای طرفین فراهم باشد و در نهایت بی طرفی با اختیارات قانونی خود به مدیریت و تسهیل برون رفت از اختلاف و جلوگیری از وقوع درگیری مجدد بپردازد. سپس طی مراحل گفتمان، عاری از هرگونه تحمیل، تهدید و یا اجباری به هریک، در صورت توافق اصحاب گزارشی مبنی بر اظهارات طرفین، فعالیت های خود و نتیجه ی جلسه بدون هیچ گونه ابهام در صورت مجلس تهیه و به امضاء آنان برساند. اما در مواردی که توافق حاصل نشود در صورت ضرورت می تواند درخواست تمدید برای سه ماه دیگر و یا ارجاع مجدد پرونده را به مقام رسیدگی کیفری را اطلاع دهد. میانجیگری معمولاً با حضور بزه دیده و بزه کار و خود میانجی

صورت می گیرد اما میانجی این اختیار را دارد در صورت تشخیص از سایر اشخاص متأثر از جرم، وکلای طرفین به همراه موکل و یا بطور مستقل، اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران یا سایر جامعه محلی دعوت کند که با او ملاقات داشته و یا در جلسات حضور به عمل آورند که میانجی گر را برای بهتر نتیجه دادن رسیدگی غیرقضایی در محیطی دوستانه و به دور از تنش همراهی کنند تا اختلاف سریع تر حل و فصل گردد.

### ۲-۳. ویژگی های میانجیگری کیفری

می توان تمایل افراد برای استفاده از این روش را به علت وجود مزایایی دانست که در مقابل راهکار قضایی دارد، این ویژگی ها می توانند در نظام های حقوقی مختلف بصورت متنوع موجود باشند. برخی از مهمترین آن ها عبارتند از:

#### ۲-۳-۱. سرعت رسیدگی و صرفه جویی در زمان

روند رسیدگی در میانجیگری سریع تر از رسیدگی های قضایی در دادگاه می باشد. چراکه؛

اولاً: در میانجیگری از تراکم دعاوی و پرونده هایی که در دادگاه وجود دارد خبری نیست.

ثانیاً: رعایت تشریفات و آیین دادرسی از سوی طرفین و قضات دادگاه ها موجب کندی جریان حل اختلاف می شود در صورتی که در این فرآیند تشریفات پیچیده ای وجود ندارد.

ثالثاً: اتلاف زمان در همه ی سیستم های حقوقی دنیا امری ناشایست به شمار می رود. مهلت های قانونی تعیین شده در بسیاری از موارد می تواند ابزاری برای سوء استفاده و به تأخیر انداختن اجرای عدالت توسط افراد آگاه به چارچوب های حقوقی باشد. دستیابی سریع به حل یک مرافعه می تواند به عنوان مولفه ای برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته شود که در استفاده از فرصت های اقتصادی و مدیریت جامع تاثیر زیادی دارد. وجود ظرف زمانی مشخص برای رسیدن به نتیجه در اجرای میانجیگری نکته ای مثبت است که به دنبال آن، طرفین می توانند در یک دیدار فوری با گفتن سریع و دوستانه به حل و فصل اختلاف خود بپردازند (سیف الهی و جم، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

#### ۲-۳-۲. کاربرد عدالت و انصاف

در میانجیگری به جای تکیه بر مقررات و استانداردهای قانونی، بیشتر به کاربرد عدالت و انصاف تأکید می گردد. بنابراین رسیدگی به اختلاف با کمک و مذاکره ی طرف ثالث و با توجه به اصولی که در آن حوزه عادلانه به نظر می رسد صورت می گیرد. این روش براساس قواعد مورد توافق طرفین



صورت می گیرد و طرفین اختیار گزینش قواعد مناسب جهت حل اختلافشان را دارند، همچنان که می توانند بدون استناد به قانون و با کمک انصاف به اختلافات خود پردازند (گرگی و حسین آبادی، ۱۳۹۵، ص ۵۵).

### ۳-۳-۲. سطح بالای اقناع فردی و توسعه تفاهم اجتماعی

در فرآیند میانجیگری تصمیم نهایی که اتخاذ می گردد اصولاً مورد توافق و تراضی دو طرف می باشد و به همین خاطر آنها با تمایل بیشتری سعی در اجرای آن دارند و خود را محکوم به یک جریان مخاصمه نمی بینند. حل اختلاف از این طریق مانع گسترش اختلافات مردم می گردد و تراکم اختلافات را که به دلیل هزینه های بالای دادرسی می تواند تضعیف مشروعیت دولت را به بار آورد و تنش های نهفته جامعه را هویدا سازد، کاهش می دهد. سطح بالای اقناع در این روش پیروزی دوجانبه را به جای شکست یکی از طرف ها دنبال دارد و در جریان رسیدگی به نیازها بیشتر از نیت اهمیت داده می شود (سیف الهی و جم، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

### ۴-۳-۲. حفظ محرمانگی در رسیدگی

برخلاف رسیدگی قضایی که بصورت علنی برگزار می شوند و حضور عموم بلا مانع است رسیدگی در این روش بصورت محرمانه و غیر علنی است که این امر می تواند از محاسن این روش به شمار آید. حضور تمام افراد جامعه در رسیدگی قضایی حقی است که برای آن ها در نظر گرفته شده و می توانند آزادانه با شرکت در جلسات رسیدگی، روند انجام آن و نحوه کار دادرسان را مشاهده نمایند اما فرآیند میانجیگری بصورت خصوصی انجام می گیرد حضور افراد تنها با اجازه و رضایت طرفین اختلاف امکان پذیر است و امکان افشای اظهارات و اسناد مربوط به رسیدگی نیز وجود ندارد. محرمانه بودن روند رسیدگی در این روش غیرقضایی به عنوان یک امتیاز مهم برای طرفین اختلاف در نظر گرفته شده است زیرا در بسیاری از موارد طرفین علاقه ای به آگاهی دیگران نسبت به اختلافات شخصی خود را ندارند (درویشی هویدا، ۱۳۹۳، ص ۳۱۷).

### ۴-۲. چالش های اجرایی میانجیگری

فرآیند میانجیگری در مسیر اجرا با مشکلات و محدودیت هایی همراه است، عواملی وجود دارد که موفقیت این روش را به چالش می کشد، از جمله:

### ۴-۲-۱. استفاده ابزاری از بزه دیده به نفع بزه کار

منتقدین، فرآیند میانجیگری را به نام بزه دیده و به کام بزه‌کار می‌دانند و اعتقاد دارند این فرآیند که به بهانه التیام آلام بزه دیده و حل مشکلات و جبران خسارات وی ایجاد شده است، فضای مناسبی است که بزه‌کار از برخورد سخت و خشن دستگاه کیفری رهایی یافته و در آن رضایت بزه دیده را جستجو کند. در واقع حضور در فرآیند میانجیگری بیش از آنکه به نفع بزه دیده باشد، وی را به ابزاری در جهت رسیدن بزه کار به اهداف خود یعنی فرار از سیکل سنتی دستگاه عدالت کیفری تبدیل کرده است (عباس زاده، ۱۳۹۲، ص ۶۲).

## ۲-۴-۲. آسیب ناشی از اختیاری بودن پذیرش فرآیند میانجیگری

اختیاری بودن ورود بزه دیده و بزه کار به فرآیند میانجیگری و ادامه داوطلبانه آن تا پایان، اگرچه از یک منظر حسن است اما از منظر دیگر آسیب محسوب می‌شود زیرا طرح چند سوال می‌تواند آسیب مطروحه را آشکار کند. با فرض وجود اختیار مذکور از ابتدا تا انتهای فرآیند، آیا این امکان وجود ندارد که هریک از طرفین در هر نقطه زمانی از این فرآیند و در صورت بروز کوچک‌ترین اختلاف در گفت و گوها و اخذ تصمیمی خلاف منافع خود، گفت و گو را ترک کند و همه ی تلاش‌ها را ناکام گذارد؟ چه تضمینی وجود دارد که پس از طی همه ی مراحل بزه دیده و بزه کار نتایج را بپذیرند و آن را عملی کنند؟ انجام مذاکرات تا پایان و عدم پای بندی و پذیرش مفاد آن توسط بزه کار، آسیب جبران ناپذیر روحی و روانی به بزه دیده وارد می‌کند. اختیاری بودن این فرآیند اطلاق نداشته و مقید به حدود و ثغوری است. تعیین حد و مرزهای مذکور و ارائه تعریفی جامع و مانع از این خصیصه تا حدودی انتقاد مذکور را توجیه می‌کند، اگرچه اصل ایراد مذکور وارد به نظر می‌رسد.

## ۲-۴-۳. عدم رویه واحد و اختلاف نظر در روش‌های اجرای میانجیگری

با وجود آنکه بیش از سی سال از تجربه اعمال میانجیگری کیفری به شکل نوین در کشورهای مختلف گذشته است، مدل‌های میانجیگری حجم وسیعی از برنامه‌های مختلف و ناهمگون و گاهی متضاد و متناقض را در برمی‌گیرند. این برنامه‌ها گاهی وابسته به دستگاه کیفری اند، گاهی نهادهای غیردولتی و مدنی آن‌ها را اداره می‌کنند و گاهی آن‌ها وابسته به نهاد مذهبی مانند کلیساها و مساجد و تشکل‌های مذهبی اند. برخی از این برنامه‌ها بزه کار محور بوده و در مورد جرایم خاص رسیدگی می‌کنند و یا به عده خاص مانند کودکان و زنان و مهاجرین سرویس می‌دهند و برخی نیز عمومی تر عمل می‌کنند. با عنایت به این ناهمگونی‌ها، وضع استانداردهای حداقلی، برای عملکرد مطلوب چنین برنامه‌هایی بسیار

حیاتی به نظر می‌رسد و چنین استانداردهایی کمک بسیاری به نهادینه کردن، وحدت و یکپارچگی، عملکرد چنین طرح‌هایی خواهد کرد.

### ۴-۴-۴. مقاومت و مخالفت بازیگران رسمی در عرصه اجرای عدالت

اجرای فرآیند میانجیگری می‌تواند تهدیدی علیه بعضی از فعالان اجرای عدالت از قبیل قضات، وکلا و کلیت نظام عدالت کیفری تلقی شود. در اجرای این فرآیند پرونده‌ها از ابتدا به این روش احاله شده که بزه‌کار و بزه‌دیده مشکل خود را در فضایی غیرقضایی حل و فصل کنند این امر اقتدار و حاکمیت دستگاه عدالت کیفری را زیر سوال برده و قدرت مجریان این دستگاه از جمله قضات و دادستان را محدود می‌نماید. از طرفی حضور بی‌واسطه اطراف دعوای کیفری در فرآیند میانجیگری و هم‌کلام شدن آن‌ها با یکدیگر و بیان واقعیات و احساسات خود پیرامون جرم می‌تواند خلاف و ناقص دفاعیات حرفه‌ای و کلای آنان شود و به نوعی منافع آنان را تهدید کند (چراغی نوید، ۱۳۹۵، ص ۶۱).

### ۳. قلمرو میانجیگری در ایران

برای تبیین مهمترین قوانین مربوط به میانجیگری در حقوق ایران؛ باید اظهار داشت که در مواد ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ۸ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ پیش‌بینی‌هایی در جهت توسل به این امر صورت گرفته بود. اما در پی آن به طور اختصاصی آیین‌نامه میانجیگری مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۹۵ تدوین شد و جرایم تعزیری درجه ۶، ۷، ۸ را قابل ارجاع به میانجیگری دانست. اما آیا قلمرو میانجیگری منحصر در همین موارد خفیف است یا در انواع دعوای (عمومی و خصوصی)، قابل گذشت و غیرقابل گذشت در جرایم چهارگانه حد، تعزیر، قصاص و دیات) امکان‌پذیر است؟ که باید با توجه به مبانی فقهی و حقوقی بطور جداگانه مورد مذاقه قرار گیرد.

### ۳-۱- میانجیگری در حدود شرعی

حدود یکی از مهمترین مباحث قوانین کیفری اسلام است که با هدف بازدارندگی و تربیت مجرم اجرا می‌شود، در واقع حد به معنای مجازاتی است که در شرع نوع، میزان و کیفیت انجام آن مشخص گردیده و امکان تغییر در اعمال این مجازات‌ها ممکن نیست مگر از طریق توبه و عفو. در کتاب و سنت بر شفاعت و ایجاد صلح و سازش میان یکدیگر بسیار تاکید شده، اما در برخی از روایات، منع از شفاعت در جرایمی چون سرقت حدی به چشم می‌خورد برای مثال؛ از امام باقر(ع) نقل شده که ام سلمه همسر رسول خدا (ص) کنیزی داشت که مالی را از مردم دزدیده بود، او را نزد پیامبر (ص) آوردند، ام سلمه در

این باره با پیامبر صحبت کرد، ولی رسول خدا (ص) به وی فرمود: این حدی از حدود خداوند است و نباید تضييع شود، سپس پیامبر (ص) به قطع دست کنیز فرمان داد (حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۳۲۲) روایت دیگری وجود دارد اسامه بن زید از شخصی که بر او حد واجب شده نزد پیامبر (ص) شفاعت کرد، رسول خدا به او فرمود: «لا تشفع فی حد اذا بلغ السلطان» یعنی به حدی که به حاکم رسیده شفاعت نکنید. امام صادق نیز در روایتی از امام علی (ع) نقل می کند: «هیچ کس در جریان حدی که امر آن به امام رسیده باشد، شفاعت نکند، زیرا چنین حدی در اختیار امام نیست اما در مورد حدی که هنوز جریان امر آن به امام نرسیده اگر مجرم توبه کرده باشد، شفاعت کن و نیز در غیر حد در صورتی برای کسی شفاعت کنید که از کرده خویش پشیمان شده باشد و در هر حال کسی نباید در حق انسان مسلمان و غیر مسلمان جز به اذن وی شفاعت کند» (پیشین، ص ۳۳۳) این روایت البته ضمن نهی از گونه ای از شفاعت به انجام گونه ای دیگر از شفاعت توصیه می کند. بعید است توصیه به شفاعت در این حدیث در فرض خاص آن، امر در مقام توهم حذر و صرفاً برای بیان اباحه و جواز باشد بلکه ظاهراً امام (ع) در موارد مجاز، به شفاعت نیکو توصیه می فرماید. مقتضای اصل نیز همین است (نوبهار، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲) شاید بتوان گفت حرمت شفاعت از حدود به این دلیل است که امام مالک حد نیست و نمی تواند ببخشد، اما در مواردی که امام اختیار عفو دارد، شفاعت پذیرفتنی است (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۹۶). پس میانجیگری به طور مطلق در جرایم حق الناسی حتی اگر جنبه عمومی داشته باشد و حق الله قبل از طرح دعوی و اقامه بینه اگر مجرم توبه کرده باشد و یا حد با اقرار خودش ثابت شده باشد امام اختیار عفو داشته و شفیع می تواند نزد امام شفاعت کند.

### ۲-۳. میانجیگری کیفری در تعزیرات

تعزیر از ریشه «عزر» به معنای منع و بازداشتن آمده است، در واقع تعزیر تأدیبی است که خداوند آن را جعل نموده به منظور اینکه تعزیرشونده و دیگر مکلفین را از ارتکاب عمل ممنوع بازدارد (حلبی، ۱۴۰۳، ص ۴۲۶) در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعزیر؛ به مجازاتی غیر از حدود، قصاص و دیات گفته می شود که میزان و کیفیت اجرای آن نه در شرع بلکه در قانون تعیین شده است یعنی مقنن در تعیین میزان مجازات مبسوط الید است. جرایم تعزیری قابل تقسیم به جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت، حق الناس و حق الله (فروزش، ۱۳۹۳، ص ۹۷) هستند. مسلماً جرایم قابل گذشت و حق الناس، قابل ارجاع به میانجیگری می باشد چرا که جنبه خصوصی بودنشان غالب می باشد. بی شک دامنه شفاعت در جرایم حق الناس از شفاعت در جرایم حق اللهی گسترده تر است، برای جرایم تعزیری قاعده ای فقهی

وجود دارد: «التعزیر لکل عمل حرام» دو گروه با نظرات مختلف درباره تمسک به این قاعده به بحث پرداخته اند به این صورت که؛ عده ای مجازات های تعزیری را به تمام اعمال حرام و ترک واجبات شرعی تسری داده اند و معتقدند تعیین مجازات برای موارد غیر واجبات و محرماتی که ارتکاب یافتنشان، ایجاد اختلال در نظم جامعه می کند با مشکل مواجه است. گروه دیگر با نظر به عدم اطلاق قاعده ذکر شده، معتقدند که تعزیر به نظر امام بوده و می تواند هم برای ترک واجبات و انجام محرمات و هم برای اخلال در نظامات اجتماعی مقرر گردد (همان: ۹۷). نظر گروه دوم به دلیل توجهشان به نظر امام، قابل پذیرش تر به نظر می رسد. در واقع در تعزیرات همانگونه که اصل جرم انگاری و کیفر، تابع مصلحت است. پذیرش یا عدم پذیرش شفاعت و میانجیگری در آن نیز تابع مصلحت می باشد. بسیاری از متون فقهی حتی از بیان صریح حکم شفاعت در تعزیر سکوت کرده اند چون از آغاز بنا بر صلاحدید حاکم است، در حالی که تبیین ابعاد فقهی شفاعت می تواند با شرایطی زمینه ساز گسترش باب میانجیگری و کاستن از شمار پرونده های قضایی یا حل و فصل سریع تر از اختلاف باشد. (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۴۱).

### ۳-۳. میانجیگری کیفری در قصاص

قصاص از ریشه «قص یقص» به معنای پیگیری و ردیابی اثر چیزی می باشد. قصاص؛ گرفتن حق و کیفر دادن مجرم به مانند جنایتی که بر او کرده است می باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۴۹) قانون مجازات اسلامی تعریفی از قصاص ارائه نداده است اما از منظر دیدگاه عدالت ترمیمی ورثه مقتول در قتل نفس عمدی، همان بزه دیدگان ثانوی و تبعی هستند تا جایی که قصاص یا عفو مجرم و یا دریافت دیه شرعی به میزان کمتر یا بیشتر از مصالحه بسته به تصمیم آنهاست، و در مواردی که حاکم اسلامی ولی دم قربانی باشد به عنوان بزه دیده ی ثانویه اختیار قصاص یا عفو مجرم، در جهت جبران خسارت جامعه و استفاده از ظرفیت های عدالت ترمیمی را دارد. در مجموع امر قصاص بدلیل اینکه جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی آن غالب می باشد امکان توسل به فرآیند میانجیگری و ایجاد صلح و سازش میان طرفین درگیر در اختلاف نه تنها جایز است بلکه مستحب می باشد و خداوند در باب قصاص اولین شفیع است، زیرا با وجود تشریح قصاص، به عفو و گذشت و گرفتن دیه به جای قصاص توصیه می فرماید (بقره/۱۷۸) و عفو جانی از قصاص را صدقه ای معرفی می کند که مایه پوشش گناهان عفو کننده می شود (مائده/۴۵) درباره سیره و روش پیامبر (ص) هم از فردی نقل شده که هیچ دعوای قصاصی را ندیدم که به پیامبر (ص) ارجاع شود، جز اینکه آن حضرت به عفو و گذشت توصیه نماید (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۸، ص ۹۷) در عرف حقوقی ایران یکی

از مهمترین کاربردهای میانجیگری در جرایم مشمول قصاص، قصاص نفس می باشد (حسینوند، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵) البته در کشور ما علی رغم تصویب قانون قصاص به ندرت قصاص عضو صورت می گیرد و عملاً بیشتر صدمات بدنی عمدی در قالب پرداخت دیه و ایجاد سازش خاتمه می یابد.

### ۳-۴. میانجیگری کیفی در دیات

دیه از ریشه «ودی» به معنای رد کردن مال است، در کتب فقهی عنوان دیات، شامل دیه و ارش می باشد، از نظر آنان دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا پایین تراز نفس انسانی آزاد(عضو یا ایراد جرح) واجب می شود(شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۵۱۳) و ارش مالی است که به جای نقصان مالی یا بدنی وارد شده به بزه دیده گرفته می شود و مقدار آن در شرع معین نیست (روحانی، ۱۴۲۰، ص ۱۸۶) از نظر فقها واژه دیه در سه معنا به کار رفته است: گاه دیه را به همان معنای لغوی خود یعنی مالی که بدل نفس است به کار برده اند، گاه به معنای مقدار مالی که از طرف شارع برای جنایت اعم از نفس و مادون نفس تعیین شده است دانسته اند که در این معنی دیه مقابل ارش است و گاه دیه را به معنایی عام تر از معنای قبل به کار برده اند به گونه ای که ارش را نیز شامل شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۴، ص ۴۲) در بین نظرات مختلف بر سر چیستی ماهیت دیه، می توان بیان داشت که دیه دارای ماهیتی ترمیمی است (فروزش، ۱۳۹۳، ص ۹۱) چون به دنبال جبران خسارت وارده بر بزه دیده آن هم بیشتر با تکیه بر جنبه مادی جرم می باشد. حال جبران خسارات معنوی وارده چه می شود! می توان علاوه بر صدور حکم به جبران خسارات مالی، طرقی دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن را در حکم خود به نفع بزه دیده لحاظ نماید و به پیشروی به سمت اهداف عدالت ترمیمی کمک کند. دیه از مجازات های قابل گذشت و خصوصی می باشد که اختیار گرفتن یا گذشت از آن در دست مجنی علیه می باشد. در واقع میانجیگری در این وادی گسترده و پرواضح است و هیچ گونه ممنوعیت فقهی یا قانونی برای توسل به میانجیگری در فصل نزاع در این باره وجود ندارد (عظیمی، ۱۳۹۶، ص ۶۶).

## نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان می دهد؛

عدالت ترمیمی الگویی نوظهور در حوزه جرم شناسی غرب است که در نتیجه ی ناتوانی سیستم عدالت کیفری در کنترل و اصلاح جرم پدیدار شد. سیاست های این رویکرد در کشورهای مختلف در حال فراگیر شدن است، اما در ایران نظام عدالت ترمیمی وجود ندارد و سیاست جنایی ما برگرفته از تعالیم اسلام می باشد. درخصوص ساز و کار میانجیگری که برگرفته از آموزه های عدالت ترمیمی و سیاست جنایی اسلام است می توان گفت که؛ فرآیندی غیرقضایی است که شخص ثالث زمینه را برای اظهارنظر و استماع گفتگوهای طرفین فراهم می کند و در نهایت بی طرفی به تسهیل برون رفت از اختلاف و ایجاد توافقی دو طرفه می پردازد. عنصر اصلی فرآیند میانجیگری را حاکمیت اراده طرفین و پای درمیانی شخص ثالث کاردان در تقار میان اصحاب نزاع تشکیل می دهد، ویژگی هایی چون عدم تشریفات، انعطاف پذیری و سرعت در عملکرد دادرسی نقش تعیین کننده ای در حل تراکم پرونده های ورودی و اطلاع دادرسی موجود در محاکم قضایی دارد. به همین علت میانجیگری با هدف جلب بزه کار در به عهده گرفتن مسئولیت اقدامات خود و درک از صدمه ای که به بزه دیده وارد کرده به او فرصتی در بازتوانی و باز پذیری می دهد تا آسیب ها را جبران کند و بزه دیده نیز به آرام خود التیام ببخشد. اما آنچه در مورد قلمرو میانجیگری در آیین نامه و ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به چشم می خورد این است که میانجیگری را محدود در جرایم تعزیری ۶ و ۷ و ۸ که قابلیت تعلیق دارند کرده، در صورتی که با استنباط از اهداف عدالت ترمیمی و آرمان های دینی اسلام متوجه می شویم هیچگونه محدودیتی برای کیفرهای حکومتی (تعزیری)، کیفرهای خصوصی (قصاص)، کیفرهای الهی (حدود) و جبران خسارت ها (دیات) در ارجاع به میانجیگری وجود ندارد. به همین منظور قانون گذار می بایست

بازنگری هایی در تشریح چارچوب و قلمرو فرآیند میانجیگری صورت دهد که کارکرد ترمیمی آن در سیستم دادرسی نهادینه شود.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آمدی، ابوالفتح (۱۳۹۲ش)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۳. الجبعی العامل، زین الدین (۱۴۱۳ق) مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۲، قم، موسسه المعارف اسلامیه.
۴. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۳۲۴ش)، السنن الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. پاک نهاد، امیر (۱۳۸۸ش)، سیاست جنایی ریسک محور، تهران، ج ۲، انتشارات میزان.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش) منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق: احمد واعظی، قم، ج ۱۲، اسراء.
۷. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۹ش)، طبقه بندی مجازات ها در قانون مجازات اسلامی، جایگاه تعزیرات و مجازات های بازدارنده، شماره ۶۹، مجله حقوقی دادگستری.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام.
۹. حسینوند، موسی (۱۳۹۴ش)، میانجیگری کیفری در پرتو آموزه های عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات مجد.
۱۰. حسینی، سید محمد (۱۳۸۷ش)، نقش میانجیگری در فصل دعاوی و پاسخ دهی به نقض هنجارها، شماره ۴۵، ص ۱۱، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۱. حلبی، ابو صلاح تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المومنین.
۱۲. درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۳ش)، مطالعه ای بر میانجیگری به عنوان روش دوستانه حل و فصل اختلافات، دوره ۴۱ شماره ۴، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. روحانی قمی، سید محمد حسین (۱۴۲۰ق)، المرتهقی الی الفقه الارقی، ج ۲، تهران، موسسه الجلیل للتحقیقات الثفافیة (دار الجلی).
۱۵. ساریخانی، عادل و مهدی خاقانی (۱۳۹۱)، نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم شناسی غربی از منظر سیاست جنایی قرآن کریم، کاوشی نو در معارف قرآنی، ش ۱.



۱۶. سیف الهی، آرمان و فرهاد جم (۱۳۸۹)، روش های غیرقضایی حل و فصل اختلافات اداری، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۷. شاکری، طوبی (۱۳۸۵)، سیاست جنایی اسلامی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.
۱۹. عمید، حسن (۱۳۶۳ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۰. عباس زاده، محمد (۱۳۹۲)، مطالعه عدالت ترمیمی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه زندانیان استان آذربایجان شرقی) طرح پژوهشی.
۲۱. فروزش، روح اله (۱۳۹۳ش)، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، تهران، انتشارات خرسندی.
۲۲. قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۵)، اصول سهولت و مدارا در سیاست جنایی حکومت اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، ش ۳، سال ۲.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، فروع کافی، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه
۲۴. گرگی، عباس و مهدی حسین آبادی (۱۳۹۵)، نظام های حل اختلاف ساز و کاری مناسب جهت انعطاف پذیری فرآیند حل اختلافات کار، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه.
۲۵. مارتی، دلماس (۱۳۸۱ش)، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، اصلاح ذات البین و نظریه های عدالت ترمیمی، فصلنامه مدرس، دوره ۱۲، ش ۳.
۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، نشر دار الاحیاء التراث العربی.
۲۸. نوبهار، رحیم (۱۳۹۳ش)، شفاعت در حد و تعزیر، پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، ش ۷.
29. Ashworth, A and Von hirsh, 1998, **Desert and the three RS, in principled sentencing: reading on theory and policy**, oxford
30. Brown, A, 1998, **Alternative Dispute Resolutions Guide, Technical publication series**, Washington.
31. padfield, N, 2011, **Judicial rehabilitation, A View from England**, Oxford
32. Ward, T, 2010, **Is offender rehabilitation a form of punishment**, the British journal of forensic Practice.